

مقاله پژوهشی: ارائه الگوی خدمات اجتماعی موسسات آموزش عالی

[20.1001.1.24234621.1401.12.49.7.3](#)

حسن‌رضا زین‌آبادی؛ حمیدرضا آراسته؛ بیژن عبداللهی؛ حجت‌حسینی ندیکی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۵

چکیده

یکی از مهم‌ترین اهداف دانشگاه، پاسخگویی به نیاز جامعه است که با درگیر شدن در حل مسائل جامعه، راهکارهایی برای رفع مشکلات ارائه می‌کند. پژوهش حاضر با هدف ارائه الگوی خدمات اجتماعی موسسات آموزش عالی اجرا شد. بدین منظور به طور همزمان از روش مطالعه اسنادی و تحلیل محتوای کیفی استفاده شد. قلمرو تحقیق شامل اسناد بالادستی و مدیریتی در خصوص اهداف و کارکردهای موسسات آموزش عالی و مصاحبه با صاحب‌نظران آموزش عالی بود. نمونه‌گیری به روش هدفمند بوده و از ۳۲ سند به عنوان نمونه نوشتاری استفاده شد. همچنین با پانزده نفر از متخصصان آموزش عالی، به روش هدفمند و گلوله برفی مصاحبه شد. روش تحقیق این پژوهش تحلیل محتوای کیفی بود و به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی از فرایند کدگذاری استفاده شد. اجرای فرایند کدگذاری باز منجر به شناسایی شصت و هفت مفهوم اصلی گردید. پس از طبقه‌بندی داده‌ها، الگوی خدمات اجتماعی موسسات آموزش عالی در قالب پنج مقوله محوری شامل خدمات آموزشی و پرورشی، خدمات زیستی — رفاهی، خدمات علمی — دانشی، خدمات فنی — پژوهشی، خدمات فرهنگی — سیاسی، شصت و هفت مفهوم باز و سازه انتخابی نیز همان خدمات اجتماعی موسسات آموزش عالی ارائه گردید.

کلیدواژه‌ها: خدمات اجتماعی، موسسات آموزش عالی، کارکردهای دانشگاه.

۱- دانشیار گروه مدیریت آموزشی دانشکده مدیریت دانشگاه خوارزمی

۲- استاد گروه مدیریت آموزشی دانشکده مدیریت دانشگاه خوارزمی

۳- استاد گروه مدیریت آموزشی دانشکده مدیریت دانشگاه خوارزمی

۴- دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی دانشگاه خوارزمی و نویسنده مسئول (hhasaninadiki@yahoo.com)

مقدمه

پژوهش و آموزش عالی کشور، از مهمترین ارکان بقا و توسعه و اعتلای جامعه ایرانی به ویژه در جهانی است که زندگی و اقتصاد و سایر شوون اجتماعی روز به روز هر چه بیشتر مبتنی بر دانش می‌شود (فراستخواه، ۱۳۹۵) ضمن اینکه نقش آموزش عالی در قرن بیست و یکم متحول شده است. از یک سو از این قرن، با عنوان قرن یادگیری و عصر دانش بنیان یاد می‌شود؛ از سوی دیگر، در این قرن، توسعه پایدار کشورها مورد توجه اصلی سیاستگذاران و تصمیم‌گیرندگان قرار گرفته است که در زمینه توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی فعالیت می‌کنند (بازرگان و فراستخواه، ۱۳۹۸: ۱).

آموزش عالی به معنای عرضه‌گرایانه در طی چند دهه گذشته بحث‌انگیز شده است. توجه به تقاضاهای واقعی در جامعه و در جهان کار و زندگی مردم، به مفهومی مرکزی در خط‌مشی‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت آموزش عالی مبدل شده و در دوره‌ی اخیر به شدت مورد تاکید قرار گرفته است. پاسخگویی اجتماعی آموزش عالی و تعهد درونی آن به حل و رفع مسائل توسعه‌ای در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی بیش از پیش قدر و اعتبار و ارزش پیدا کرده است. اقتصاد دانش‌بنیان موجب شده است که دایره‌ی ذینفعان و مشتریان آموزش عالی بیش از پیش توسعه و تنوع پیدا کند. دستگاه‌های مختلف دولتی، سازمان‌های عمومی، بنگاه‌های خصوصی تولید و خدمات، بازار کار، مالیات‌دهندگان و نهادهای مختلف جامعه بیش از هر زمان بر انتظارات خود از آموزش عالی تاکید می‌کنند. آن‌ها پی‌جو و کنجکاوند که از درس و بحث و تحقیق و فنون دانشگاهی چه مرهمی بر زخم‌هایشان، چه راه‌حلی برای مسائل و چه ارزش افزوده‌ای در راستای مطلوبیت‌ها و اهدافشان فراهم می‌آید. در واقع اگر دانشگاه نتواند عملکرد و بروندهای خود را از حیث کیفیت و تناسب با این انتظارات نوپدید و متنوع تنظیم کند، نه تنها به دلیل محدودیت‌های منابع مالی دولتی در یک جهان رقابتی با بحران‌های مالی و اعتباری دست به گریبان می‌شود، بلکه به دلیل ناتوانی از تعاملات رضایت‌بخش با شبکه‌ی نهادها و ذینفعان مختلف جامعه، به بحران کارآمدی و اثربخشی نیز دچار می‌شود (فراستخواه، ۱۳۸۹). با برداشته شدن دیوارهای پنهان دانشگاه و محیط پیرامون، دستاوردهای دانشگاه به رکن اساسی زندگی مردم تبدیل شده و اقتصاد دانش‌بنیان زمینه‌ساز پیشرفت همه‌جانبه شده است. ارکان و دستگاه‌های دولتی، سازمان‌های عمومی و خصوصی، بنگاه‌های کسب و کار، بازار کار، مودیان و نهادهای گوناگون جامعه بیش از هر زمان دیگری بر انتظارات خود از دانشگاه تاکید و اصرار می‌کنند. آن‌ها انتظار دارند که فعالیت‌های دانشگاهی راه‌حلی برای مسائل و ارزش‌افزوده‌ای برای کلیت جامعه و هریک از بخش‌های جامعه، فراهم کند (مهدی، ۱۳۹۷: ۱۷). اقتضائات و شرایطی که ذکر شد نقش‌های تازه‌ای بر دوش دانشگاه قرار داده است و در این راستا نقش و وظیفه دانشگاه دچار تحول شده

و دانشگاه‌ها رسالت مسئولیت اجتماعی را نیز برعهده دارند، چرا که فلسفه وجودی دانشگاه تولید خیر عمومی و رفاه اجتماعی از طریق علم‌ورزی، علم‌آموزی و دانش‌پژوهی است (فراستخواه، ۱۳۹۸). مشروعیت دانشگاه نیز با انجام دادن مسئولیت اجتماعی آن حاصل می‌شود و انتظار می‌رود دانش دانشگاه بر رفاه اجتماعی تاثیر داشته باشد، در توسعه و رفاه بشری و در پایداری زیست‌بوم سهمی داشته باشد و نقش خود را در پاسخگویی و فهم سفارش‌های خاموش اجتماعی انجام دهد. این در حالی است که در حال حاضر، نوعی وظیفه‌گرایی صوری بر آنها و بر دانشگاه سایه انداخته است (برادران حقیر و همکاران، ۱۳۹۸) و بر مبنای تجربه می‌توان ادعا کرد که تعاملات دانشگاه‌های ایران با محیط پیرامون در سطح نازلی است و این شکاف به ویژه در علوم اجتماعی و رفتاری عمق بیشتری دارد (مهدی، ۱۳۹۷). این که دانشگاه صرفاً نیروی متخصص برای دولت یا برای بازار تربیت کند کافی نیست؛ بلکه چشم‌ها دوخته شده است تا از درون آموزش دانشگاهی ارتقای کیفیت زندگی و تعالی شهروندی اجتماعی و مشارکت اجتماعی و شایستگی‌های کانونی، مانند تفکر انتقادی و دیگرپذیری، بیرون بیاید. (فراستخواه، ۱۳۹۸: ۱۵۰). بنابراین با مشخص شدن ضرورت و اهمیت این کارویژی دانشگاهی و به رغم بیان کارکرد دانشگاه‌ها در چارچوب نسل‌های مختلف دانشگاهی به خصوص کارکرد آموزشی و پژوهشی و بررسی‌ها و مطالعات متعدد، در خصوص کارکرد خدمات اجتماعی دانشگاه و گونه‌شناسی این خدمات در چارچوب این شیوه، پژوهشی صورت نگرفته است. با این توصیف هدف اصلی پژوهش حاضر ارائه الگوی خدمات اجتماعی موسسات آموزش عالی است. بنابراین با روش تحلیل محتوای کیفی و مطالعه اسناد الگوی خدمات اجتماعی موسسات آموزش عالی ارائه خواهد شد. در پژوهش حاضر با توجه به هدف کلی ارائه الگوی خدمات اجتماعی موسسات آموزش عالی پاسخگویی به پرسش زیر مد نظر بوده است:

عوامل و عناصر الگوی خدمات اجتماعی موسسات آموزش عالی چه هستند؟

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

پیشینه پژوهش

بررسی ادبیات پژوهش نشان می‌دهد خدمات اجتماعی دانشگاه اگرچه به عنوان کارویژه‌ی سوم نهادهای دانشگاهی شناخته می‌شوند، کمتر تحت این مفهوم و به عنوان یک کارکرد دانشگاهی موضوع تحقیقات قرار گرفته است. تحقیقات صورت گرفته نیز کارکردهای آموزشی و پژوهشی را مد نظر قرار داده‌اند و گونه‌های خدمات اجتماعی محدودی مربوط به هر کدام از این کارکردها را بررسی کرده‌اند و در قالب یک الگوی کامل و همه‌جانبه خدمات اجتماعی موسسات آموزش عالی را مورد توجه قرار نداده‌اند.

و برخی از تحقیقات نیز به گونه‌های خدمات اجتماعی دانشگاه ذیل مفهوم پاسخگویی اجتماعی و مسئولیت اجتماعی دانشگاه اشاره کرده‌اند. در ادامه برخی از جدیدترین این پژوهش‌ها اشاره می‌شود. با توسعه آموزش عالی در سطح بین‌المللی و نیاز به خدمت به جامعه، تقاضاهای جامعه در قالب پاسخگویی و مسئولیت اجتماعی دانشگاه مورد بررسی قرار گرفته است. تحقیقاتی مثل یامچلو و همکاران (۱۳۹۷) و برادران حقیر و همکاران (۱۳۹۸) مفهوم مسئولیت اجتماعی دانشگاه و مولفه‌های آن را که برخی از خدمات اجتماعی دانشگاه را نیز در بر می‌گیرد، مورد بررسی قرار دادند.

برخی از پژوهش‌ها (معاونت تعلیم و تربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۳)، حیدری نژاد، مظفری و محقر (۱۳۸۳) رضوی (۱۳۸۴) میرکمالی، خورشیدی و وفایی (۱۳۸۷) در چهارچوب ارزیابی عملکرد دانشگاه و تدوین شاخص‌های ارزیابی، خدمات اجتماعی دانشگاه نظیر اختراعات و اکتشافات دانشگاه‌ها، پارکهای علم و فناوری، تولید فناوری، حل مشکلات فنی و تخصصی جامعه، خدمات مشاوره‌ای استادان دانشگاه به جامعه، خدمات علمی و فنی به جامعه، خدمات اجرایی به جامعه و پاسخگویی دانشگاه به نیازهای جامعه را مورد توجه قرار دادند.

فراستخواه (۱۳۹۵) در راستای تدوین شاخص‌های ارزیابی عملکرد آموزش عالی به گونه‌های خدمات اجتماعی دانشگاه نظیر دانش‌آموختگان، مشاوره علمی اعضای هیئت علمی به جامعه، انجام طرح‌های پژوهشی، اختراع و ایجاد شرکت‌های تحقیق و فناوری اشاره کرده است.

جاودانی (۱۳۹۸) در راستای گونه‌شناسی خدمات اجتماعی دانشگاه، این خدمات را به پنج دسته خدمات عمومی، خدمات حرفه‌ای و رشته‌ای، خدمات دانشگاهی، خدمات دانشکده‌ای و خدمات دانشجویی تقسیم کرده است که بیشتر خدمات به جامعه دانشگاهی مدنظر بوده و نوع خدمات دانشگاه به جامعه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. نکته حائز اهمیت این است که در تمام پژوهش‌های صورت گرفته تنها برخی از خدمات اجتماعی موسسات آموزش عالی مدنظر بوده و به طور همه جانبه این خدمات مورد بررسی قرار نگرفته و به گونه‌شناسی همه جانبه خدمات اجتماعی موسسات آموزش عالی پرداخته نشده است.

در عرصه جهانی تحقیقات متعددی در چهارچوب نحوه تعامل دانشگاه با محیط پیرامون و تحت نظریات مختلف، موضوع خدمات اجتماعی موسسات آموزش عالی را مورد بررسی قرار داده‌اند.

جرج و پنا (۲۰۱۷) در تحلیل ادبیات مسئولیت اجتماعی دانشگاه ۳۱۴ مقاله از مجلات آموزش عالی را در فاصله سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ انتخاب کردند؛ نتیجه پژوهش نشان می‌دهد ابتدا در حالی که در دهه

۲۰۰۰ میلادی علاقه تحقیق به تجزیه و تحلیل تغییرات در حاکمیت دانشگاه و پیامدهای آن در ساختارها و مدیریت بود، این روند در ۲۰۱۰ به تأکید شدید بر تجزیه و تحلیل تغییرات در حاکمیت دانشگاه و پیامدهای آن برای پاسخگویی و سهامداران منتقل شد. دوم، تجزیه و تحلیل ادبیات نشان می‌دهد، علی‌رغم تغییراتی که در بخش دانشگاه انجام شده و بر بعد اجتماعی دانشگاه‌ها تأکید کرده است، هنوز در مورد موضوع مسئولیت اجتماعی دانشگاه فاصله زیادی وجود دارد. این نشان می‌دهد که تعدادی از مشکلات در گنجاندن اصول مسئولیت اجتماعی در چهار زمینه اصلی: آموزش، تحقیق، مدیریت و مشارکت جامعه وجود دارد.

شرما و شرما (۲۰۱۹) در یک مقاله مروری با هدف بررسی مسئولیت اجتماعی دانشگاه در سطح جهانی ۳۱ دانشگاه را مورد بررسی قرار می‌دهند و نتیجه می‌گیرند یک دانشگاه دارای سه ماموریت آموزش، تحقیق و مسئولیت اجتماعی است و توضیح می‌دهند که مسئولیت اجتماعی دانشگاه باید منعکس کننده تعهد دانشگاه به جامعه خود باشد و این ماموریت باید در توسعه پایدار و توسعه انسانی طراحی و بررسی شود.

علی و همکاران (۲۰۲۰) در تحلیل موضوعی و تکامل مفهومی مسئولیت اجتماعی دانشگاه دامنه آن را شامل موضوعاتی مثل توسعه انسانی پایدار، کارآموزی هیئت علمی و کارکنان، اشتغال، حفاظت از منابع طبیعی، محیط زیست، اخلاق، اقتصاد، خیرخواهی، مدیریت سازمانی و فرهنگ کار بر می‌شمرند.

راجز و همکاران (۲۰۲۰) مسئولیت اجتماعی دانشگاه را در چهار زمینه تأثیرات سازمانی مثل جنبه‌های کاری و زیست محیطی جامعه، تأثیرات آموزشی مثل تربیت متخصص و شهروند مسئول، تأثیرات شناختی مثل تولید و انتقال دانش و تأثیرات اجتماعی مثل مشارکت در توسعه جامعه و سرمایه اجتماعی آن دسته‌بندی کرده‌اند.

شایان ذکر است وجه اصلی تفاوت این پژوهش با پژوهش‌های ذکر شده ارائه الگوی یکپارچه خدمات اجتماعی دانشگاه تحت عنوان پنج مقوله محوری به همراه مولفه‌های یا نوع خدمت مربوط به هر مقوله است.

مبانی نظری دانشگاه و کارکردهای آن

امروزه کارکردهای دانشگاه و آموزش عالی به سوی تنوع هرچه بیشتر پیش می‌رود. در دهه‌های گذشته دانشگاه بخشی از چرخه تولید تلقی می‌شد که وظیفه آن آموزش نیروی متخصص به عنوان یک داده در نظام تولید اقتصادی بود. اما اکنون وظیفه دانشگاه، تربیت لشکر کارمندی برای تزریق به دستگاه عریض و طویل و عقب مانده بوروکراتیک نیست، بلکه دانشگاه مایل است کار ویژه خود را در تولید و بسته بندی دانش جدید، آینده نگری و تولید نرم افزارهای تغییر اجتماعی و درونی کردن هنجارهای مدرن جست و جو کند. در دو دهه گذشته اهمیت نگاه اقتصادی به دانشگاه، تا حدودی کاهش یافته و به همین میزان نگاه فرهنگی اجتماعی به آن افزایش یافته است. از طرفی نباید از نظر دور داشت که کارکردهای اجتماعی دانشگاه در جوامع در حال توسعه از اهمیت مضاعف برخوردارند. زیرا کشورهای توسعه نیافته برای نیل به هدف‌های توسعه پیش از پیش به مغزافزار و نرم افزار برای تحول همه جانبه نیازمندند و برای مواجهه با فرهنگ‌های مسلط و نیروهای ضد توسعه از دانشگاهیان انتظار کمک دارند (ذاکرسالحي، ۱۳۸۳).

کارکردهای تکنیکی دانشگاه یعنی آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی را بروباکر در کتاب فلسفه آموزش عالی، همچنین کلارک‌کر و آلتباخ همگی گفته‌اند، اما درباره چیستی و روح این آموزش و پژوهش کمتر سخن گفته‌اند. آنان از کارکردهای دانشگاه تنها آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی را نام می‌برند، اما آموزش برای رسیدن به کارکردهای هنجاری است؛ یعنی آن هنجارهای آکادمیکی که در حقیقت دانشگاه را به بلوغ و کمال می‌رساند و آن را به دانشگاه تبدیل می‌کند؛ برای نمونه، معنادار کردن جهان، کشف نفس خود و غیره. کار دانشگاه خرید و فروش مدرک نیست بلکه ایفای نقش در تحولات اجتماعی است. دانشگاه مکانی برای گفت و گو، ایجاد تفاهم، اقناع و اجماع عمومی از طریق گفت‌وگوسازی، آموزش شیوه تفکر، نقد انسان، نقد جامعه، نقد قدرت، نقد خود دانش، تقویت نهادهای واسط و نهادهای مدنی، تقویت توسعه پایدار و ترویج رفتار شهروندی است. هدف از تاسیس دانشگاه این کارکردهای هنجاری هستند، آموزش و پژوهش واسطه و کارکرد تکنیکی هستند. اگر ایده دانشگاه نباشد، کارکردهای تکنیکی دچار جمود می‌شوند (ذاکرسالحي، ۱۳۹۷: ۵۰).

کارکردهای چندگانه دانشگاه موجب گسترش دامنه نفوذ و قدرت آن شده است. همین وضعیت هم منشاء ظهور چالش‌های عمده‌ای چون نوع رابطه و اثرگذاری دانشگاه با جامعه به معنی کلی آن، تولید انسان متخصص یا شهروند، و تولید متفکر یا روشنفکر و سیاست‌مدار شده است. بعضی‌های در جامعه

ایرانی دانشگاه را مانند دیگر سازمان‌های اداری برای تولید کالای معین یعنی تربیت کارشناس و اثرات محدود درون سیستمی تعریف کرده‌اند. در حالی که بسیاری دانشگاه را محل تولیدات گوناگون، منشاء اثرگذاری‌های متعدد و در نهایت تغییرات بنیادین در نظام اجتماعی می‌باشند، معرفی کرده‌اند. با توجه به تاکید بر تحقق وضعیت چندین کارکردی دانشگاه در ایران، شواهد نشان از کم اثری آن دارد. چون انتظارات با امکانات موجود تناسب نداشته است. مشکلی که در این زمینه وجود دارد عدم پیوستگی (یا) به عبارت صریح‌تر تعارض بین کارکردهای دانشگاه می‌باشد. متخصص و کارشناس دانشگاهی می‌بایستی جهت‌گیری شهروندی داشته باشد. همان‌طور که متفکر و دانشمند حاضر یا تربیت شده از دانشگاه می‌بایستی دغدغه تولید کارشناس و منتقد اجتماعی داشته باشد. از طرف دیگر، می‌بایستی جریان روشنفکری تولید شده یا مورد استفاده در دانشگاه معطوف به کشش عقلانی و توسعه‌ای هم‌گرایانه مردمان ایرانی باشد. به دلیل جدایی و وضعیت تعارضی کارکردهای دانشگاه با نوعی به هم ریختگی ساختاری در نظام دانشگاهی روبرو هستیم (آزاد ارمکی، ۱۳۹۶: ۱۵).

سیر تحول کارکردهای دانشگاه در نسل‌های مختلف دانشگاهی

دانشگاه‌های نسل اول

در آغاز دانشگاه‌ها، تدریس را وظیفه اصلی خود می‌دانستند، اگر چه در دانشگاه‌های قبل از قرن نوزدهم، علاوه بر آموزش و تدریس، تربیت هم مطرح بوده است، اما روش آموختن متکی بر حافظه و غیراستدلالی بود. نقش اصلی دانشگاه‌های نسل اول، آموزش نیروی انسانی بوده؛ لذا این دانشگاه‌ها، دانشگاه‌های آموزش محور بودند. فعالیت‌های آموزشی در دانشگاه‌های نسل اول با هدف توسعه انسانی بوده و به طور کلی آموزش، و سیله‌ای برای شناسایی مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی جامعه و ارائه راه‌حل‌های مربوطه بوده است (کافمن و هرمن، ۱۹۹۶). هدف اولیه دانشگاه‌های نسل اول، آموزش فراگیران بوده و فعالیت آموزشی از ضروری‌ترین جنبه‌های مورد انتظار در محیط‌های دانشگاه نسل اول بود.

دانشگاه‌های نسل دوم

تغییر و تحول در شرایط و نیازهای جامعه، موجب تغییر و تحول در رسالت دانشگاه‌ها شد. بدین صورت که رسالت اولیه آنها که آموزش بوده به سمت پژوهش رفت. در قرن نوزدهم، برای اولین بار در آلمان، دانشگاه پژوهش محور به وجود آمد که طرحی بنیادی را برای دانشگاه‌های سراسر دنیا پی‌ریزی کرد. به عبارتی با تغییر اوضاع و نیازهای جوامع، در اواخر سده نوزدهم نقش پژوهش نیز به وظایف

دانشگاه‌ها افزوده شد. از این پدیده با عنوان انقلاب نخست دانشگاه‌ها یاد می‌شود که طی آن پژوهش، افزون بر وظیفه سنتی آموزش به کارکردهای دانشگاه افزوده شد (اتزکویتز، ۲۰۰۳). در دانشگاه‌ها نسل دوم که دانشگاه‌های پژوهش محور بودند، رشد و توسعه علمی از طریق پژوهش حاصل می‌شود و در پناه توسعه تفکر پژوهشی بود که کشورها به جای مصرف‌اندیشه‌های دیگران، به تولید علم و اندیشه‌ورزی پرداختند. (تاون و شاولسون، ۲۰۰۲).

دانشگاه‌های نسل سوم

کاهش بودجه‌های عمومی پژوهش، به دنبال جنگ سرد از دیگر تحولاتی بود که تاثیر عمیقی بر نقش و کارکرد دانشگاه‌ها برجای گذاشت. دانشگاه‌ها دیگر نمی‌توانستند به صرف اتکا به بودجه‌های دولتی، و بدون توجه به مسائل اقتصادی و بازگشت سرمایه، به انجام پژوهش‌ها مبادرت ورزند. همین امر باعث شد تا دانشگاه‌های مدرن برای دستیابی به بخش‌های خصوصی برای کسب سرمایه‌های بیشتر، به فعالیت‌های تجاری و کسب و کار روی آورند (موک، ۲۰۰۵). دانشگاه‌های نسل سوم با عنوان دانشگاه‌های کارآفرین، رهبری آموزش‌های کارآفرینی را عهده‌دار هستند. کارآفرینی موتور محرک اقتصادی کشورهای پیشرفته و در حال توسعه است. چهار عامل برای اینکه یک دانشگاه را کارآفرین دانست؛ اول: پژوهش کارآفرینی در دانشگاه انجام شود. دوم: از دفاتر انتقال فناوری بهره‌مند باشد. سوم: شرکت‌های جدید به صورت زایشی در آن به وجود بیاید. چهارم: شرایط محیطی مناسب در آن حکم فرما باشد و شبکه‌های نوآوری در آن فعال باشد. (ذوالفقاری و همکاران ۱۳۹۰: ۴۷).

دانشگاه‌های نسل چهارم

دانشگاه نسل چهارم علاوه بر حفظ ماموریت‌های دانشگاه‌های سه نسل ماقبل خود ویژگی‌های منحصر به فردی دارد. دانشگاه‌های نسل چهارم ماموریت دارند تا در شکل‌دهی آینده جامعه محلی خود نقش ایفاء نمایند. مهم‌ترین ویژگی این دانشگاه افزایش تاثیر محلی است. دانشگاه نسل چهارم صحنه‌گردان اصلی خود و محیط پیرامون خود است. این دانشگاه نه تنها مسائل و چالش‌های خود را راهبری می‌کند، بلکه مساله‌یابی و پاسخگویی به مسائل و چالش‌های جامعه و سایر نهادهای اجتماعی نیز از ماموریت‌های محوری آن است. دانشگاه نسل چهارم به مانند ذهن هدایتگر و سناریو ساز جامعه آینده است. فراتر از رابطه متعارف سه‌گانه دانشگاه — دولت — صنعت، دانشگاه نسل چهارم، به نوعی دانشگاه جامعه‌ساز است (خورسندی طاسکوه، ۱۳۹۶). دانشگاه نسل چهارم به معنای دانشگاهی است که ارتباطات پویای

^۱Etzkowitz
^۲Towne & Shavelson
^۳Mok

وسعی با محیط اقتصادی و اجتماعی خود دارد، اما هدف این ارتباطات وسیع، توسعه درونی خود دانشگاه است. می‌توان آن را الگوی پیشرفته‌تری از یک دانشگاه جوان تصور کرد که به منظور شتاب دادن به رشد خود، سعی می‌کند محیط پیرامون خود را از طریق ابتکارات بیرونی تغییر دهد و همکاری با محیط تغییر یافته به طور اساسی خود دانشگاه را متحول می‌کند (مهدی و شفیع، ۱۳۹۶). در نسل چهارم به تاثیر اجتماعی دانشگاه در توسعه پایدار منطقه پای فشرده می‌شود و این که دانشگاه یک واسطه‌ی تغییر برای جامعه باشد و چشم‌داشت واقعی از او بسط سرمایه‌های فکری و ارتباطی و اجتماعی جامعه‌ی محلی و منطقه‌ای و ملی است. انتظار می‌رود که رسالت نقد و روشن‌گری نسبت به کلان‌روندهای علم و فناوری و آینده‌ی آن در پیش‌گیرد (فراستخواه، ۱۳۹۸).

مسئولیت اجتماعی دانشگاه

با توجه به تجارب جهانی، بخش مهمی از ضریب امنیت جامعه، پاسخگویی اجتماعی، کاهش هزینه‌های دولتی، کاهش مشکلات مدیریت شهری، رفع تعارضات اجتماعی، مبارزه با فقر و حتی توجه به نیازهای ویژه (در قشر سالمندان، کودکان و نوجوانان و...) در گرو توجه به مسئولیت اجتماعی دانشگاهی است. مسئولیت اجتماعی شبکه‌های مربوط به عنوان سکوی ارتقای آن، نظام مدیریت پیشرو برای پیگیری پایداری است که در جهت حکمرانی دانشگاه، تدریس و یادگیری، پژوهش، خدمات اجتماعی و پایداری محیط زیست به آن توجه شده است. جهانی سازی، افزایش تحرک و توسعه برنامه درسی در بازار جهانی برای آماده کردن دانشجویان برای اشتغال و تاثیر دانشگاه در توسعه اقتصادی از عوامل کلیدی است که نیازمند شفافیت مفهومی و آگاهی از رویکردهای راهبردی است (هالیستر، ۲۰۱۷).

تحلیل مسئولیت‌پذیری از جهات گوناگون دشوار است. هم‌داستان نبودن دانشمندان و صاحب‌نظران در تعریف غالب مفاهیم و سازه‌ها در پدیدارهای اجتماعی، نوظهور بودن مفهوم مسئولیت اجتماعی، تحول و دگرذیسی فراوان در این مفهوم، چندتباری بودن مسئله مسئولیت‌پذیری اجتماعی سبب دشواری در تعریف این مفهوم است. اگرچه مسئولیت اجتماعی دانشگاه مفهومی نوظهور است اما آن براساس نیازهای جامعه، فرهنگ، دیدگاه‌ها و تغییرات محیطی گوناگون، بسط، تحول و توسعه یافته است. اختلاف دیدگاه در بیان مصادیق مسئولیت اجتماعی نیز بر این ابهام افزوده است؛ و به همین سبب تعریف‌های گوناگونی از سوی صاحب‌نظران ارائه شده است (یامچلو و همکاران، ۱۳۹۷).

مسئولیت اجتماعی دانشگاه، نوعی فلسفه و بنیان برای جنبش اجتماعی است که می‌تواند فلسفه نوعی دانشگاه دانسته شود که از رهیافتی اخلاقی برای توسعه و درگیر کردن دانشگاه در اجتماع محلی و جهانی استفاده می‌کند تا توسعه اجتماعی، بوم‌شناختی، زیست‌محیطی، فنی و اقتصادی را پایدار کند. مسئولیت اجتماعی دانشگاه به عنوان بازیگر اصلی تغییرات اجتماعی عمل می‌کند، چرا که متضمن داشتن سیاستی در مورد جنبه اخلاقی و نیز متضمن اداره عملکرد اجتماع دانشگاهی است. این‌ها همه از طریق مدیریت مسولانه تاثیر آموزشی، شناختی، کاری و زیست‌محیطی دانشگاه و در گفت و گویی تعاملی با جامعه و اجتماعات درون آن انجام می‌شود تا توسعه سرمایه انسانی پایدار از طریق آموزش، (دانش تغییر دهنده)، تامین خدمات، پژوهش، تعلیم و کمک هزینه های تحصیلی ارتقا یابد (درک بوک و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۰۴).

مسئولیت اجتماعی دانشگاه شامل بسیاری از حوزه‌های مختلف از جمله موارد زیر است: نیاز به تقویت تعهد مدنی و شهروندی فعال، ارائه خدمات به جامعه از طریق تعامل و دسترس به جامعه، ارتقاء توسعه اقتصادی و ملی، ترویج رویکردهای اخلاقی به موضوعات، توسعه احساس شهروندی مدنی، با تشویق دانشجویان، هیئت علمی و کارمندان اداری برای ارائه خدمات اجتماعی به جامعه محلی خود، ترویج تعهد زیست‌محیطی برای توسعه پایدار محلی و جهانی، توسعه منابع انسانی محلی و جهانی، گسترش دانش بشر از طریق تحقیق و آموزش با کیفیت برای ملت و بشریت (یامچلو و همکاران، ۱۳۹۷).

تعامل دانشگاه و جامعه

جامعه به مثابه محیط دانشگاه عمل می‌کند. اگر دانشگاه وجود دارد حتماً مانند یک ارگانیزم زنده با محیط خود تعامل دارد. به اعتقاد فولتون^۱ برای نخستین بار آرمیتاژ^۲ در سال ۱۹۵۵ یعنی شرایط پس از جنگ جهانی دوم از نهاد دانشگاه به مرکز خدمت به جامعه تعبیر کرد. پس از او کلارک^۳ در کتاب فواید دانشگاه (۱۹۶۳) اظهار داشت که دانشگاه‌های آمریکا در مدار تاریخ قرار دارند، بدین معنی که نه فقط انتظارات اجتماعی از آموزش عالی در اقتصاد جدید دگرگون شده، بلکه ماهیت خود دانشگاه نیز در نتیجه رشد، تنوع و افزایش اهمیت پژوهش، مشاوره و دیگر شیوه‌های خدمت به جامعه، تغییر کرده است. شهر خرد اصولاً خودکفا و محصول تغییر نیازهای جامعه، تلقی شد و برای دانشگاه حیاتی مختص به خود قابل شدند. در سال ۱۹۷۳ نیز تالکوت پارسونز^۳ اظهار داشت: از مدت‌ها قبل به این نتیجه رسیده‌ام که آموزش عالی، و از جمله مجموعه پژوهشی، به صورت تنها ویژگی برجسته ساختارهای در حال توسعه جوامع

^۱Fulton

^۲Armytage

^۳Talcott Parsons

مدرن درآمده و کلید درک جهان جدید است. دانیل بل از این هم صادقانه‌تر موضوع را مورد بررسی قرار داد و در اظهار اندیشه‌های خود از جامعه صنعتی گفت که به همین دلایل دانشگاه را باید نهاد مددکار جامعه امروزی دانست که در ساختار کمکی به صورت یک نظام تجلی می‌کند. از جمله دلایلی که بل ارائه می‌کند این است که دانش نظری مدون، جای خود را به اصل کمکی ثروت خصوصی و منبع نوآوری و سیاستگذاری جامعه داده است و دست اندرکاران علم یعنی برگزیدگان متخصص و حرفه‌ای گروه یا طبقه اصلی جدید جامعه هستند (ذاکر صالحی، ۱۳۸۳: ۱۲۴-۱۲۵).

به نظر می‌رسد اشاره به این نکته که دانشگاه و جامعه باید با هم ارتباط دوسویه‌ای داشته و با هم همکاری نمایند، ضرورتی نداشته باشد. این ارتباط به معنی جاری شدن علم دانشگاه‌ها در شهرک‌های جامعه و استفاده عملی از دانش است. یعنی اینکه دانشگاه‌ها و پژوهشگران به حل مشکلات و چالش‌های روزمره جامعه کمک کنند و البته جامعه نیز دانشگاه را باید به عنوان نهاد مرجع در پیشرفت و ترقی شناخته و به دستاوردهای آن با دیده احترام و اهتمام بنگرد. به عبارتی ارتباط این دو نهاد به این معناست که هر دو از برقراری چنین تعاملی سود ببرند. اگر منافی برای دو طرف وجود داشته باشد، آنها با هم ارتباط پیدا کرده و با یکدیگر همکاری می‌کنند و به اصطلاح اقتصادی بازار به وجود می‌آید و اگر چنین ارتباطی به وجود آید، بازار تحقیقات هم مطرح می‌شود. اصطلاح بازار در اینجا هم می‌تواند معنای مادی و مالی داشته باشد و هم می‌تواند برداشتی فرامادی را در ذهن القا کند. در این برداشت فرامادی دانشگاه می‌بایست خود را متعهد به رفع مشکلات موجود در جامعه بداند و در عین حال توان خود را به ایجاد زمینه‌ای برای شکوفایی و توسعه آن معطوف نماید. دانشگاه می‌بایست با تامل و تدبیر در بخش‌های مختلف جامعه، از فرهنگ و اجتماع و سیاست گرفته تا هنر و کشاورزی، به پژوهش‌هایی همت گمارد که هم برای جامعه مفید باشد و هم با شرایط موجود اجتماعی نسبتی واقعی برقرار نماید. در صورتی که پژوهش‌ها و آموزش‌های دانشگاهی معطوف به پذیرش این واقعیت‌ها و دست و پنجه نرم کردن با آنها نباشد، هر قدر هم که در مقام نظر برای جامعه مفید به نظر آید، دردی از اجتماع را دوا نخواهد نمود (کلارک، ۱۳۸۸: ۷-۵).

آموزش عالی با بازشناسی روبه رشد خصایص عصر حاضر و در جهت انجام تام و تمام وظایف خود باید رابطه تنگاتنگی با جامعه داشته باشد، جامعه‌ای که آموزش عالی در خدمت آن گام برمی‌دارد. تصدیق روزافزون این نکته، که آموزش عالی برای انجام کارکردهایش باید رابطه تنگاتنگ‌تری با جامعه‌ای داشته باشد که به آن خدمت می‌کند. زمانی تصور می‌شد کالج‌ها و دانشگاه باید دانش را حفظ کنند و انتشار دهند

و به پیش برند. امروزه آن‌ها به مسئولیت‌هایی جدید و خارق‌العاده مواجه هستند. تصور در شنا سایی و کوتاهی در عمل به این مسئولیت‌ها می‌تواند برای تمدن ما فاجعه‌بار باشد. هالسی (۱۹۵۲) دلیل چنین نقشی مهمی را این گونه بیان می‌کند: این امر بدان دلیل است که فقط نهادهای آموزش عالی مان از امکان سازگاری با مسائل بین‌المللی و ملی برخوردارند. هیچ‌یک از نهادهای دیگرمان به تنهایی نمی‌توانند چنین مشکلاتی را حل کنند زیرا اصولاً هیچ‌یک از آنها نهادی اندیشنده نیستند و حل مشکلات جهانی به اندیشه — اندیشه فراوان بدون سوگیری و مستقل و انتقادی — نیاز دارد و کالج‌ها تنها نهادهایی هستند که همچنان مراکز مستقل و انتقادی محسوب می‌شوند. آموزش عالی نمی‌تواند به نیازهای جامعه‌ای که به آن خدمت می‌کند و بخشی جدانشدنی از آن است بی‌توجه باشد. دانشگاه‌ها نیز همچون آموزشگاه‌های سطح پایین‌تر به نحوی فزاینده در حال تبدیل شدن به مراکز زندگی محور هستند. آن‌ها در پی انتخاب اهداف و سازگار کردن روندهایشان با تمامی مشکلات زندگی هستند. بزرگ‌ترین خدمت آموزش عالی به نظم اجتماعی هنگامی آشکار می‌شود که کلیه نهادها و وظایف خود را دوجانبه تلقی کنند. آموزش عالی باید در همه نهادهای اجتماعی و آژانس‌ها نقش داشته باشد و از آن‌ها تاثیر پذیرد. تماس آموزش عالی با صنعت و زندگی اقتصادی باید این فعالیت‌ها را انسانی‌تر کند و مطمئن شود که فعالیت آن‌ها به نفع رفاه انسان است. آموزش عالی با این نوع ارتباط می‌تواند با امور عملی زندگی روزمره همگام شود. (ام کینگ و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷-۲۲). به علاوه دانشگاهی که منطبق با ساخت و الزامات جامعه باشد، از توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه برخوردار خواهد بود و از سوی دیگر، اعتماد و همکاری سیستمی مردم و سایر خرده‌نظام‌ها را با خود همراه می‌سازد (باقری و کریم‌الف به نقل از آراسته و همکاران، ۱۳۹۷).

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق در چهارچوب رویکرد کیفی و به طور هم‌زمان با استفاده از روش تحلیل محتوا و مطالعه اسنادی انجام شده است. پژوهش کیفی نوعی پژوهش است که در آن پژوهشگر بر دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان اتکا دارد، سوال‌های عمومی و گسترده می‌پرسد و داده‌هایی را جمع‌آوری می‌کند که عمدتاً شامل کلمات یا متن مشارکت‌کنندگان است (کر سول، ۲۰۰۴). روش مطالعه اسنادی یعنی تحلیل آن دسته از اسنادی که شامل اطلاعات درباره پدیده‌هایی است که قصد مطالعه آنها را داریم. در این روش علاقه پژوهشگر این است که از فهم مقاصد و انگیزه‌های اسناد و متون یا تحلیل‌های تاویلی از یک متن خارج شده و آن را به عنوان زبان و گفتمان نوشتاری نویسنده پذیرفته و مورد استناد قرار دهد (آذر و ذاکر صالحی، ۱۳۹۸).

جامعه آماری پژوهش شامل ۱۵ نفر از خبرگان و نیز اسناد بالادستی شامل برنامه ششم توسعه (بخش آموزش عالی) نقشه جامع علمی کشور و برنامه‌های مصوب وزارت علوم برای رشته‌های تحصیلی می‌شود که به طور کامل مورد تحلیل قرار گرفتند. خبرگان به روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی از میان صاحب‌نظران و متخصصین حوزه آموزش عالی در دانشگاه‌های تهران، خوارزمی، شهید بهشتی تهران، موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، شهید باهنر کرمان، پژوهشکده حکمت و دانشگاه قم انتخاب شدند. محقق با انتخاب این تعداد از افراد، به اشباع نظری در جمع‌آوری اطلاعات در مصاحبه رسیده است.

برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش علاوه بر تحلیل ادبیات تحقیق، از مصاحبه و فرم تحلیل محتوای اسناد استفاده شد. در راستای کشف اطلاعات عمیق به منظور شناسایی عناصر خدمات اجتماعی موسسات آموزش عالی، از مصاحبه نیمه‌ساختار یافته استفاده شد. دلیل استفاده از مصاحبه نیمه ساختار یافته این بود که در این روش امکان تبادل نظر و همچنین هدایت بحث و موضوع مصاحبه در جهت دستیابی به اهداف پژوهش وجود دارد. همچنین برای کشف و درک بهتر اطلاعات، می‌توان سوال‌های دیگری را مطرح کرد.

برای دستیابی به هدف پژوهش و براساس رویکرد کیفی، ادبیات تحقیق، مصاحبه‌ها و اسناد، تحلیل محتوا شدند. به منظور تجزیه و تحلیل ادبیات تحقیق و داده‌های حاصل از مصاحبه و اسناد، از روش کدگذاری استفاده شده است. واحد تحلیل در این پژوهش، عبارات یا واژه‌هایی است که نشان دهنده، کارکردها و فعالیت‌هایی است که جامعه از آنها بهره‌مند می‌شود و مصداق خدمات دانشگاه به جامعه است. لازم به ذکر است که رویکرد استفاده شده در این تحقیق تحلیل محتوای آشکار بوده و کلمه‌ها یا عبارات انتخاب شده در واقع همان گونه‌های خدمات اجتماعی موسسات آموزش عالی بوده‌اند که در ادبیات تحقیق، مصاحبه‌ها و اسناد به روشنی به آنها اشاره شده و تفسیری در آنها صورت نگرفته است. در تحلیل ادبیات تحقیق، اسناد و مصاحبه‌ها از رویکرد تحلیل محتوای استقرایی استفاده شد، بدین ترتیب که بدون داشتن هیچ الگوی مفهومی، متن‌ها به صورت باز و آزاد مورد تحلیل قرار گرفت و کدگذاری به صورت جداگانه برای ادبیات تحقیق، محتوای مصاحبه‌ها و اسناد انجام شد. در این مرحله ۱۱۰ کد باز شناسایی شد که بیانگر گونه‌های خدمت دانشگاه به جامعه بودند.

پس از شناسایی کدهای باز، مرحله طبقه‌بندی کدهای باز انجام شد. بدین صورت که با توجه به اشتراک مفهومی و معنایی که کدها با هم داشتند و بیانگر یک بعد یا جنبه از خدمت دانشگاه بودند

در یک مقوله دسته‌بندی شدند که حاصل آن پنج مقوله محوری شد. به عنوان نمونه کدهای بازی مثل ارتقای سلامت جسمی و روانی، فضای زیست بهینه و پایدار، افزایش رفاه انسان، بهبود کیفیت زندگی و حفظ پویایی و نشاط جامعه، تقلیل مرارت‌ها و بهبود زیست اجتماعی، غنی‌سازی کیفیت زندگی جامعه که همگی به طور مستقیم اشاره به ارتقای سطح زندگی افراد جامعه داشتند در یک طبقه (خدمات زیستی _ رفاهی) قرار گرفتند و سایر کدها نیز به همین ترتیب طبقه‌بندی شده و نام‌گذاری مقوله‌ها نیز، براساس اصطلاحات موجود در ادبیات تحقیق و پیشنهاد خبرگان انجام گرفت. برای بررسی روایی پژوهش، از تایید اعضا و مشارکت‌کنندگان و نیز شیوه تلفیق یا همسوسازی داده‌ها استفاده شده است. در این پژوهش واژه‌های انتخابی برای کدگذاری همان گونه‌های خدمات اجتماعی موسسات آموزش عالی بودند که مشارکت‌کنندگان بیان می‌کردند و مورد تاکید و تایید آنها بوده است، لذا درستی و صحت نتایج به دلیل انتخاب کلمات (گونه‌های خدمات اجتماعی موسسات آموزش عالی) بیان شده توسط مشارکت‌کنندگان به عنوان واحد تحلیل، کاملاً مورد تایید مشارکت‌کنندگان در تحقیق می‌باشد. به علاوه برای افزایش روایی مطالعه، گونه‌های خدمات اجتماعی از سه منبع ادبیات تحقیق، اسناد و مشارکت‌کنندگان تلفیق و همسوسازی شده است.

در زمینه پایایی نیز، از روش توافق یا همخوانی بین دو نفر استفاده شده است. کرسول، برای بررسی پایایی در پژوهش‌های کیفی، توافق در همسانی رمزگذاری را بین دو یا چند رمزگذار پیشنهاد می‌کند (کرسول، ۱۳۹۶). در این راستا دو نمونه از برنامه‌های مصوب رشته‌های تحصیلی و مصاحبه‌های انجام گرفته در اختیار یکی از خبرگان موضوع قرار داده شد و کدگذاری توسط ایشان انجام گرفت. پس از انجام این کار، همخوانی بین دو کدگذار محاسبه شد. ضریب توافق به دست آمده از دو کدگذار ۷۹ درصد بود که نشان دهند توافق بالا و ضریب پایایی مطلوب است.

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

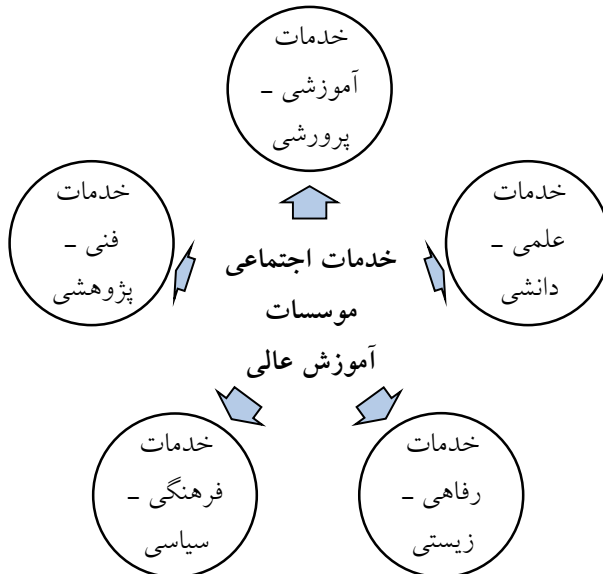
الف: یافته‌های تحقیق

بعد از گردآوری داده‌های حاصل از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و مطالعه اسناد، فرایند تحلیل داده‌های کیفی آغاز گردید، این داده‌ها با توجه به موضوع پژوهش، تلخیص و کدگذاری شدند. در نتیجه کدگذاری، حذف داده‌های تکراری و تلخیص نهایی داده‌ها شدت و هفت مفهوم استخراج گردید. سپس مفاهیمی که به طور هدفمند بیانگر یک مقوله کلی‌تر بودند شناسایی و در کنار هم قرار داده و در قالب عوامل ۵گانه دسته‌بندی شدند. در پایان پنج مقوله اصلی که بیانگر عوامل

اصولی خدمات اجتماعی مؤسسات آموزش عالی بودند شناسایی و استخراج گردیدند، این مقوله‌ها عبارتند از: خدمات آموزشی و پرورشی، خدمات زیستی — رفاهی، خدمات علمی — دانشی، خدمات فنی — پژوهشی، خدمات فرهنگی — سیاسی. با توجه به اینکه این مقوله‌ها حاکی از فعالیتها و اقداماتی هستند که یک دانشگاه در راستای خدمت‌رسانی به جامعه انجام می‌دهد، مناسب‌ترین عنوانی که پوشش‌دهنده‌ی همه‌ی آنها باشد همان اصطلاح خدمات اجتماعی دانشگاه است.

ب: تجزیه و تحلیل یافته‌ها

به منظور ارائه الگوی خدمات اجتماعی مؤسسات آموزش عالی، شناسایی عوامل و عناصر یا به عبارت دیگر هستارشناسی یا گونه‌شناسی خدمات اجتماعی مؤسسات آموزش عالی، مطالعه اسناد مربوطه و مصاحبه با صاحب‌نظران آموزش عالی انجام شد و الگوی مفهومی خدمات اجتماعی مؤسسات آموزش عالی در پنج مقوله اصلی شامل "خدمات آموزشی و پرورشی"، "خدمات زیستی — رفاهی"، "خدمات علمی — دانشی"، "خدمات فنی — پژوهشی"، و "خدمات فرهنگی — سیاسی" در قالب یک مدل طراحی شد (شکل ۱). یافته‌های این مدل بیانگر آن است که خدمات اجتماعی مؤسسات آموزش عالی دربرگیرنده طیف وسیعی از ابعاد زندگی است و چنانچه این خدمات به نحو مطلوب تحقق پیدا کند موجب ارتقاء، رشد و توسعه جامعه در تمام شئون آن می‌گردد. در ادامه به معنا و مفهوم هر یک از مقوله‌ها پرداخته می‌شود.



شکل ۱: الگوی مفهومی خدمات اجتماعی مؤسسات آموزش عالی

۱- خدمات آموزشی - پرورشی

این بعد از خدمات اجتماعی موسسات آموزش عالی بر دامنه‌ای از فعالیتهایی تاکید دارد که حاصل فرایند یاددهی و یادگیری می‌باشد. تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها و مطالعه اسناد بیانگر آن است که موسسات آموزش عالی در این بعد از خدمات اجتماعی از طریق، تربیت شهروند مسئول، آگاهی بخشی جامعه محلی، افزودن برسطح دانش سازمانی، ترویج روحیه آزاد منشی، خدمات آموزشی — تخصصی به گروه‌های مردم نهاد، آموزش شهروندان در موضوعات اجتماعی، تربیت نیروی انسانی، شکوفایی استعداد، توانمندساختن افراد، شکوفایی ذوق ادبی، روحیه نقادی و نظارت جمعی، شکل گیری روحیه علمی و توسعه جامعه یادگیرنده می‌تواند به جامعه خود خدمت کنند.

با استناد به منابع نوشتاری «دانشگاه به شکوفا نمودن استعدادهای اعضای جامعه می‌پردازد، افرادی که در آینده از این استعدادهای نوآوری اجتماعی استفاده خواهند کرد. یک نقش حیاتی دانشگاه‌ها نسبت به نوآوری اجتماعی، آزادسازی افراد جامعه است، هدف اصلی آموزش عالی که به وسیله گزارش دیرینک در ۱۹۹۷ در کمیته ملی تحقیق آموزش عالی بیان شده است، اشاره می‌کنیم: الهام بخشیدن و توانمندساختن افراد به نحوی که بتوانند استعدادهای خود را به حد ممکن شکوفا سازند. و بدین ترتیب، از لحاظ فکری رشد کنند و برای کار در جامعه مجهز شوند و نقش خود را در جامعه ایفا نموده و وظایف فردی خود را به انجام رسانند (سیمبر، ۱۳۸۹: ۶۳ و ۳۳۳)، به طور خلاصه و مجمل، مسئولیت تاریخی — اجتماعی دانشگاه ایرانی در قبال جامعه، جامعه سیاسی، جامعه مدنی و حوزه عمومی، چیزی نیست جز آموزش و پرورش شهروندی دانشگاهی (رحمانی، ۱۳۹۸: ۴۲۸)، به عبارت دیگر دانشگاه و نظام آموزش عالی باید بتواند در کنار وظیفه اولیه خود، یعنی تربیت نیروی متخصص، شهروندانی نیک و خردمندانی قابل از طریق تنظیم رابطه سه گانه مهارت (تخصص)، جامعه‌پذیری و اخلاق به عنوان سه وظیفه اصلی نظام تعلیم و تربیت با یکدیگر و با بخش غیر قابل تحقق فرهنگ (غایت مطلوب) تربیت کند. چون تربیت تنها راه انسان شدن، یعنی نیل به آزادی، عقلانیت، سعادت و شرافت انسانی است (ماحوزی، ۱۳۹۶: ۳۱). و مشارکت کنندگان نیز اظهار داشتند «توانمند سازی حرفه‌ای و شغلی افراد به تناسب رشد دانشی که در حوزه‌های مختلف صنعتی و کشاورزی اتفاق می‌افتد می‌تواند یکی از کارکردهای مهم دانشگاه باشد؛ تولید علم و تربیت نیروی انسانی کیفی نیز از وظایف دانشگاه است؛ توانمندسازی

گروه‌های خاص مثل معلولین و نابینایان، آموزش شهروندان در موضوعات اجتماعی، و ... اینها مرکزی ترین عواملی هست که در خدمات اجتماعی دانشگاه باید مدنظر باشد».

۲- خدمات علمی-دانشی

برطبق تحلیل مصاحبه‌ها و مطالعه اسناد خدمات علمی و دانشی موسسات آموزش عالی از طریق مولفه‌های گفتمان سازی، نقد دانش، تقویت آگاهی باوری و آزاد اندیشی، انتقال دانش، ارائه مشاوره، آزادسازی دانش و عمومی سازی آن، ایجاد بازارهای دانش، بررسی انتقادی طرح‌های اجرایی، نقد مدل توسعه و نقد سیاست‌های محلی رخ می‌دهد. همانطور که این گونه‌های خدمات اجتماعی موسسات آموزش عالی نشان می‌دهند، این بعد جنبه نظری داشته و شامل فعالیت‌های عملی نمی‌شود.

به استناد منابع نوشتاری « دانشگاه مکانی برای گفتگو، ایجاد تفاهم، اقناع و اجماع عمومی از طریق گفتمان‌سازی، آموزش شیوه تفکر، نقد انسان، نقد جامعه، نقد قدرت، نقد خود دانش، تقویت نهاد‌های واسط و نهاد‌های مدنی، تقویت توسعه پایدار و ترویج رفتار شهروندی است. هدف از تاسیس دانشگاه این کارکردهای هنجاری هستند، آموزش و پژوهش واسطه و کارکرد تکنیکی هستند (ذاکر صالحی: ۱۳۹۷، ۵۰) مسئولیت دانشگاه آزادسازی دانش و عمومی سازی آن است و از او انتظار خلق فرصت‌ها تازه و ایجاد بازارهای دانشی و کسب و کارهای دانش بنیان می‌رود (فراستخواه، ۱۳۹۸: ۱۱۸ و ۱۸۶). در همین رابطه مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند « یکی از وظایف دانشگاه نقد مدل‌های توسعه و پیشرفت و طراحی و نظریه پردازی مدل‌های توسعه است؛ مسائلی نظیر واکنش مناسب به سیاست‌های ملی و ارزیابی تاثیرات محلی آنها از وظایف دانشگاه متعهد به جامعه است؛ اینکه وظایف دانشگاه در قبال جامعه چیست، از مسئولیت اجتماعی دانشگاه ناشی می‌شود که می‌تواند حوزه‌های مختلفی را دربر بگیرد از جمله: آگاهی سازی شهروندان به حقوق شهروندی».

۳- خدمات فنی و پژوهشی

تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه و اسناد نشان می‌دهد این بعد از خدمات اجتماعی موسسات آموزش عالی بیشتر جنبه عملی و کاربردی داشته و شامل گونه‌های تولید فناوری، کمک علمی و فناوری، توسعه تکنولوژی، ایجاد شرکت‌های جدید دانشگاهی، ایجاد مراکز پژوهش مشترک با صنعت، تولید علم، انجام پایان‌نامه‌ها، رساله‌ها و طرح‌ها، ارائه برنامه توسعه و طراحی مدل توسعه می‌شود.

با استناد به متون نوشتاری «کارآفرینی دانشگاهی شامل تمامی رفتارهای کارآفرینانه دانشگاهیان نظیر ایجاد شرکت‌های جدید دانشگاهی، ایجاد مراکز پژوهش‌های مشترک با صنعت (جامعه) تمهیدات حفظ دارایی‌های فکری و واگذاری حق امتیاز یافته‌های پژوهش‌های دانشگاهی است (مهدی، ۱۳۹۷) و نیز از آنجایی که توسعه صنعتی جامعه هر چه بیش‌تر به دانش وابسته است و آموزش به یکی از منابع مهم اقتصادی تبدیل شده است، از دانشگاه‌ها خواسته می‌شود تا تلاش‌های خود را معطوف به نوآوری‌ها و برنامه‌هایی کنند که از لحاظ فن‌آوری برای جامعه مفید باشد. (سیمبر، ۱۳۸۹: ۳۱۰)».

در همین زمینه مشارکت‌کنندگان نیز عقیده داشتند که «دانشگاه بر مبنای خدمات اجتماعی باید باشد، تمام کارهایی که ما انجام می‌دهیم خدمات اجتماعی است، ما دانشجوی تربیت می‌کنیم خدمات اجتماعی است، پایان‌نامه‌ها، رساله‌ها و طرح‌ها این‌ها همه خدمات اجتماعی است. پروژه‌هایی که در ارتباط با صنعت و جامعه می‌گیریم به همین ترتیب، بنابراین کل دانشگاه برای انجام فعالیت اجتماعی است؛ یک قسمت از خدمات اجتماعی دانشگاه را من خدمات پژوهش‌پیش تعریف می‌کنم، یعنی شناسایی نیازهای محلی خودش، ملی و بین‌المللی خودش و تلاش برای رفع آن نیازها».

۴- خدمات رفاهی - زیستی

بر طبق تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه و اسناد، خدمات رفاهی - زیستی موسسات آموزش عالی شامل متنوع‌ترین گونه‌های خدمتی در مقایسه با سایر ابعاد می‌باشد و دامنه گسترده‌ای شامل مولفه‌های ارتقای سلامت جسمی و روانی، فضای زیست بینه و پایدار، افزایش رفاه انسان، تقویت نهادهای واسط و مدنی، تقویت توسعه پایدار، توسعه محلی، ملی و بین‌المللی، دفاع از حریم و حیثیت معنوی نظام، بهبود کیفیت زندگی و حفظ پویایی و نشاط جامعه، نقش روشنگرانه و مدنی، تقلیل مرارت‌ها و بهبود زیست اجتماعی، بهبود فرصت‌های کسب و کار، پایش تحولات طبیعی، تلاش برای حفظ محیط زیست، شناسایی مسائل جامعه، مسئله‌مند سازی مشکلات، پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه، حل مسائل جامعه، حمایت از آسیب‌دیدگان بلایای طبیعی، مشارکت در مدیریت بحران‌ها، هشدار دادن نسبت به روندهای آسیب‌زا، ارائه راهکار مناسب با شرایط محلی برای حل بحران‌ها، ارائه امکانات به مشارکت‌کنندگان در برنامه‌های کمک‌رسانی به بحران‌ها و غنی‌سازی کیفیت زندگی جامعه را در بر می‌گیرد.

در همین رابطه اسناد و منابع نوشتاری تاکید دارند «مسئولیت دانشگاه‌ها آن است که دانش را برای تقلیل مرارت‌ها و بهبود زیست اجتماعی خود به کارگیرند، فرصت‌های کسب و کار تازه برای جامعه با تکیه بر دانش بیاورند(فراستخواه، ۱۳۹۸) یا اینکه دانشگاه به عنوان یک نهاد فرهنگی در جهت بهبود کیفیت زندگی و حفظ پویایی و نشاط جامعه برای خود مسئولیت قائل است(ذاکر صالحی، ۱۳۸۳) و اینکه دانشگاه باید نقش پررنگ‌تری در توسعه محلی، ملی و بین‌المللی ایفا نماید(پاور، ۲۰۰۵). و مشارکت کنندگان نیز اذعان داشتند که «در دانشگاه‌ها می‌بایست مسائل جامعه و حل آن در کانون توجه باشد؛ یکی دیگر از وظایف دانشگاه تلاش برای حل مسائلی که جامعه آنها را به عنوان مسئله شناخته هست و دیگری مسئله مند کردن موضوعاتی که به عنوان مسئله شناخته نمی‌شود؛ دانشگاه به عنوان یک نهاد اجتماعی به دنبال این است که به نیازهای جامعه اش پاسخ بدهد، دانشگاه هدفش این هست که با ارائه خدمات پژوهشی، و شناسایی مسائل و مشکلات جامعه و در راستای حل این مسائل گام بردارد و این می‌شود خدمات اجتماعی دانشگاه».

۵- خدمات فرهنگی - سیاسی

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه و اسناد نشان می‌دهد که موسسات آموزش عالی از طریق نقد جامعه، نقد قدرت، پایداری از ارزش‌های اصیل فرهنگی و اعتلای آن، خلق ارزش‌های نوین، تعمیق ارزش‌ها، هنجارها، باورها، عقاید و اخلاق، نگهداری و انتقال میراث فرهنگی، ارتقای جامعه‌پذیری و تربیت جامعه‌وی، ساختن هویت ملی - حکومتی، توسعه ارزش‌های اصیل اجتماعی و دموکراتیک و درونی کردن ارزش‌ها می‌توانند به جامعه خدمت‌رسانی کنند.

با استناد به متون نوشتاری «بر اساس آرای صاحب نظران این حوزه از دانشگاه انتظار می‌رود برای ساختن یک جامعه خوب به تقویت، تعمیق و توسعه ارزش‌های دموکراسی لیبرال هم در دانشگاه و هم در جامعه کمک کند(نجاتی، ۱۳۹۶)؛ روشنگری، تعمیق ارزش‌ها، هنجارها، باورها، عقاید و اخلاق از خدمات اجتماعی دانشگاه‌هاست(ماحوزی، ۱۳۹۶). و مشارکت‌کنندگان در مصاحبه نیز تاکید کردند «هر کدام از رشته‌های دانشگاهی ما و به صورت مشخص علوم انسانی هر کدامشان بخشی از میراث اجتماعی و فرهنگی ما را حفظ، منتقل و توسعه می‌دهند که برای حفظ یک جامعه نیاز هست».

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

الف - نتیجه‌گیری: پژوهش حاضر با هدف ارائه الگوی خدمات اجتماعی موسسات آموزش عالی و با استفاده از روش مطالعه اسنادی و تحلیل محتوای کیفی صورت گرفته است. الگوی مستخرج از تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش در قالب پنج بعد اصلی طراحی گردید که شامل شصت و هفت مولفه که گونه‌های خدمات اجتماعی موسسات آموزش عالی محسوب می‌شوند نیز می‌شود. پنج بعد اصلی عبارت‌اند از: خدمات آموزشی و پرورشی"، "خدمات زیستی - رفاهی"، "خدمات علمی - دانشی"، "خدمات فنی - پژوهشی"، و "خدمات فرهنگی - سیاسی. در ادامه در چارچوب ابعاد مذکور گونه‌های مربوط به هر یک از ابعاد ذکر شد. نتایج این پژوهش با تحقیق راجز و همکاران (۲۰۲۰) در خصوص دسته‌بندی مسئولیت و پاسخگویی اجتماعی دانشگاه در دو زمینه تاثیرات آموزشی مثل تربیت متخصص و شهروند مسئول و تاثیرات شناختی مثل تولید و انتقال دانش شباهت و البته فقط در نام‌گذاری جنبه‌های مسئولیت اجتماعی تفاوت دارد. به علاوه به برخی گونه‌های خدمات اجتماعی موسسات آموزش عالی نظیر اختراعات و اکتشافات دانشگاه‌ها، پارکهای علم و فناوری، تولید فناوری، حل مشکلات فنی و تخصصی جامعه، خدمات مشاوره‌ای استادان دانشگاه به جامعه، خدمات علمی و فنی به جامعه، خدمات اجرایی به جامعه، پاسخگویی دانشگاه به نیازهای جامعه، تربیت نیروی انسانی و انجام طرح‌های پژوهشی در پژوهش‌های معاونت تعلیم و تربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۳)، حیدری نژاد، مظفری و محقر (۱۳۸۳) رضوی (۱۳۸۴) میرکمالی، خورشیدی و وفایی (۱۳۸۷) و فراستخواه (۱۳۹۵) در چارچوب ساخت شاخص‌های ارزیابی دانشگاه‌ها (جز پژوهش فراستخواه، ۱۳۹۵) به آنها اشاره شده است اما در این پژوهش دسته‌بندی شده و در قالب یک الگوی نظام‌مند ارائه شدند و تحقیقات یاد شده تعداد محدودی از گونه‌های خدمات اجتماعی موسسات آموزش عالی را مدنظر قرار دادند که این پژوهش خدمات یاد شده را در تمام ابعاد بررسی و احصاء کرده است.

گونه‌های خدمات اجتماعی شناسایی شده برای موسسات آموزش عالی حاکی از آن است که این خدمات، طیف وسیعی از فعالیت‌ها و اقداماتی را در برمی‌گیرد که تمام ابعاد نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه را پوشش می‌دهد. بنابراین از آنجا که دانشگاه نهاد اجتماعی و فرهنگی از نوع دانشی است و فلسفه‌ی وجودی دانشگاه تولید خیر عمومی و رفاه اجتماعی از طریق علم‌ورزی، علم‌آموزی و دانش‌پژوهی است (فراستخواه، ۱۳۹۸)، بایستی هر موسسه آموزش عالی به طور خاص و آموزش عالی به طور عام به تناسب رشته‌های تحصیلی که پوشش می‌دهد و در چارچوب رسالت آن موسسه و زیست‌بوم محلی خود، به شناخت خدمات اجتماعی قابل انجام اقدام و در راستای تکالیف ذاتی آموزش عالی و با ابزارهای در اختیار خود به ایفای مسئولیت اجتماعی خود بپردازد.

به نظر می‌رسد لازمه انجام چنین مسئولیتی برقراری ارتباط تنگاتنگ و دوسویه و همکاری بین جامعه و دانشگاه باشد. همانطور که گونه‌های شناسایی شده برای الگوی مفهومی خدمات اجتماعی مؤسسات آموزش عالی نشان می‌دهد، مؤسسات آموزش عالی می‌توانند و بایستی با جامعه ارتباط گسترده‌ای برقرار کنند. این ارتباط به معنی جاری شدن علم دانشگاه‌ها در شاهرگ‌های جامعه و استفاده عملی از دانش است. یعنی اینکه دانشگاه‌ها و پژوهشگران به حل مشکلات و چالش‌های روزمره جامعه کمک کنند و البته جامعه نیز دانشگاه را باید به عنوان نهاد مرجع در پیشرفت و ترقی شناخته و به دستاوردهای آن با دیده احترام بنگرد. به عبارتی ارتباط این دو نهاد به این معناست که هر دو از برقراری چنین تعاملی سود ببرند. اگر منفعی برای دو طرف وجود داشته باشد، آنها با هم ارتباط پیدا کرده و با یکدیگر همکاری می‌کنند و به اصطلاح اقتصادی بازار به وجود می‌آید و اگر چنین ارتباطی به وجود آید، بازار تحقیقات هم مطرح می‌شود. اصطلاح بازار در اینجا هم می‌تواند معنای مادی و مالی داشته باشد و هم می‌تواند برداشتی فرامادی را در ذهن القا کند. در این برداشت فرامادی دانشگاه می‌بایست خود را متعهد به رفع مشکلات موجود در جامعه بداند و در عین حال توان خود را به ایجاد زمینه‌ای برای شکوفایی و توسعه آن معطوف نماید. دانشگاه می‌بایست با تامل و تدبیر در بخش‌های مختلف جامعه از فرهنگ و اجتماع و سیاست گرفته تا هنر و صنعت و کشاورزی، به پژوهش‌هایی همت گمارد که هم برای جامعه مفید باشد و هم با شرایط موجود اجتماعی نسبتی واقعی برقرار نماید. در صورتی که پژوهش‌ها و آموزش‌های دانشگاهی معطوف به پذیرش این واقعیت‌ها و دست و پنجه نرم کردن با آنها نباشد، هر قدر هم که در مقام نظر برای جامعه مفید به نظر آید، دردی از دردهای اجتماع را دوا نخواهد کرد. دانش دانشگاه وقتی با ارزش و مهم است که تاثیری برای رفاه اجتماعی داشته باشد، در تحول اجتماعی، خود را به اشتراک بگذارد، سهمی در توسعه و رفاه بشر و در پایداری زیست بوم داشته باشد و نقش خود را در پاسخ‌گویی و فهم سفارش‌های خاموش اجتماعی انجام دهد. دانشگاهی که نتواند سفارش‌های خاموش اجتماعی را در برنامه‌درسی، علم آموزی، پژوهش‌ها، پایان‌نامه‌های دکتری، در کلاس و درس خود متاملانه بفهمد و نتواند از طریق علم‌ورزی و علم‌آموزی آنها را پی‌جویی کند، فلسفه‌ی وجودی او مخدوش می‌شود (همان: ۱۸۴).

از سوی دیگر، دانشگاه نیز این انتظار را از جامعه دارد که به عنوان مرجع بی‌بدیل دانش و پژوهش مورد پذیرش قرار گیرد و نتایج تاملات و مطالعات اهالی آن به عنوان منبعی برای سیاست‌گذاری و شکل‌گیری ایستارهای جامعه نسبت به موضوعات مختلف مورد توجه جدی قرار گیرد. بنابراین با توجه به گونه‌های متنوع خدمات اجتماعی دانشگاه به ویژه خدمات زیستی -

رفاهی که بیشترین مولفه‌ها را به خود اختصاص داده است می‌توان پیشنهادات راهبردی و پژوهشی زیر را مطرح کرد.

پیشنهادات

الف: پیشنهادهای اجرایی

- ۱- ایجاد بانک اطلاعاتی از نیازمندی‌ها و مشکلات جامعه در زیست‌بوم موسسات آموزش عالی و استفاده از توانمندی موسسات برای برآورده کردن آنها.
- ۲- ایجاد رشته‌های دانشگاهی در موسسات آموزش عالی با توجه به نیازمندیهای بومی و منطقه‌ای.

ب: پیشنهادهای پژوهشی

- ۳- آسیب‌شناسی چرایی حل نشدن مسائل و مشکلات جامعه توسط موسسات آموزش عالی.
- ۴- تدوین الگوها و مدل‌های تعامل و ارتباط جامعه با موسسات آموزش عالی.

منابع

الف- فارسی

- ام کینگ، پاتریشا، جی مایهيو، ماتيو، مک الروی، مولی و ... (۱۳۹۷)، «مسئولیت اخلاقی دانشگاه»، (ترجمه آریا متین و ایمان بحیرایی). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
- آراسته، حمیدرضا (۱۳۸۳)، «فلسفه‌های آموزش عالی»، دایره المعارف آموزش عالی، جلد اول، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری - بنیاد دانشنامه نگاری.
- آراسته، حمیدرضا، نصری، قدیر، زین‌آبادی حسن رضا و تنهایی، علیرضا (۱۳۹۷). «تاملی آسیب‌شناختی بر کارکردهای دانشگاه در تدارک امنیت جامعه»، فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، سال هشتم، شماره ۳۳ صفحات ۱۶۶- ۱۴۵.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۶)، «دانشگاه و چالش‌های جامعه ایرانی»، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بازرگان، عباس (۱۳۸۳)، «ارزشیابی آموزشی»، تهران: انتشارات سمت.
- بازرگان، عباس و فراستخواه، مقصود (۱۳۹۸)، «نظارت و ارزشیابی در آموزش عالی»، تهران: سمت.
- برادران حقیر، مریم، نورشاهی، نسیرین و روشن، احمدرضا (۱۳۹۸)، «مفهوم‌سازی مسئولیت اجتماعی دانشگاه در ایران»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۵، شماره ۳، ص ۲۶ - ۱.
- بریجز، دی، جو سویسین، پی، جو سویسیوس، آر، مک لافلین، تی و استانکوویسیوس، جی (۱۳۸۹)، «آموزش عالی و توسعه ملی دانشگاه‌ها و جوامع در حال گذار»، ترجمه (رضا سیمبر). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
- جاودانی، حمید (۱۳۹۸)، «چگونه دانشگاهی می‌تواند پاسخگوی خدمات اجتماعی چشم‌داشتی شده از سوی جامعه باشد؟»، مجموعه مقالات جستارهایی در مسئولیت اجتماعی دانشگاه ایرانی و بحران‌های زیست محیطی به کوشش جبار رحمانی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- حیدری‌نژاد، صدیقه، مظفری، سیدامیر احمد و محقر، علی (۱۳۸۳)، «تعیین و تبیین شاخص‌های ارزیابی عملکرد دانشکده‌ها و گروه‌های آموزشی تربیت بدنی و علوم ورزشی»، نشریه علوم ورزشی و حرکت، شماره ۴، ۴۶- ۳۱.
- خور سندی طا سکوه، علی (۱۳۹۶)، دانشگاه‌های نسل چهارم و ماموریت جامعه‌سازی،

- دانشگاه امروز، دو ماهنامه تخصصی سیاست‌گذاری آموزش عالی
- درک کی . بوک و همکاران (۱۳۹۶)، «مسئولیت اجتماعی دانشگاه»، (ترجمه، امیر، آرمن، پاپلی یزدی، علی و عالم زاده، مریم). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۹۷)، «م سائل آموزش عالی ایران»، تهران. پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی ایران.
- ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۸۳)، «دانشگاه ایرانی، درآمدی بر جامعه‌شناسی آموزش عالی ایران»، تهران: انتشارات کویر.
- ذوالفقاری، عاطفه، حجازی، سیدرضا و فرهودی، آرتا (۱۳۹۰)، «جایگاه شرکت‌های زایشی دانشگاهی در توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها»، فصلنامه تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد، سال ۷، شماره ۳۷.
- رضوی، سید مصطفی (۱۳۸۴)، «طراحی و تبیین مدل ارزیابی عملکرد دانشکده‌های علوم انسانی دانشگاه تهران» رسال دکتری، دانشگاه تهران.
- شفائی یامچلو، طاهره، ایلی، خدایار و فرامرز قراملکی، احد (۱۳۹۷)، «مسئولیت اجتماعی در دانشگاه‌ها، مطالعه موردی: دانشگاه تهران»، برگ فرهنگ، شماره بیست و پنجم.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۳)، «شاخص‌های ارزیابی آموزش عالی در جمهوری اسلامی ایران»، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی، هیئت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۵)، «کتاب شاخص آموزش عالی»، تهران: موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۸)، «آگاه وبی گاهی دانشگاه در ایران، مباحثی نو و انتقادی در باب دانشگاه پژوهی، مطالعات علم و آموزش عالی»، تهران: نشر آگاه.
- کرسول، جان دبلیو (۱۳۹۶)، «طرح پژوهش رویکردهای کمی، کیفی و ترکیبی». ترجمه علیرضا کیامش و مریم دانای طوس. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبایی.
- کلارک کر (۱۳۸۸)، «کاربردهای دانشگاه»، ترجمه مصطفی حدادی و علی گل محمدی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ماحوزی، رضا (۱۳۹۶)، «دانشگاه تاملات نظری و تجربه ایرانی»، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- مهدی، رضا (۱۳۹۷)، «درآمدی بر تعامل دانشگاه با محیط پیرامون»، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

- میرکمالی، سید محمد، خورشیدی، عباس و وفایی، محمدرضا (۱۳۸۷)، «ارائه‌ی چارچوب نظری شاخص‌های عملکردی در آموزش عالی»، *مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان*، سال ۷، شماره ۲۱.
- نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۹۶)، «*شهروندی دانشگاهی در ایران*»، تهران: موسسه مطالعات اجتماعی فرهنگی.
- مهدی، رضا و شفیعی، مسعود (۱۳۹۶)، «نقش آفرینی و ظرفیت‌سازی دانشگاه‌های نسل چهارم برای توسعه محلی و منطقه‌ای»، *فصلنامه صنعت و دانشگاه*، سال دهم، شماره‌های ۳۵ و ۳۶.

ب- انگلیسی

- Ali, M., Mustapha, T. I., Osman, S. B., & Hassan, U. (2020). University social responsibility (USR): An Evolution of the concept and its thematic analysis. *Journal of Cleaner Production*, ۱۲۴۹۳۱.
- Etzkowitz, H. (2003). Research groups as 'quasi-firms': the invention of the entrepreneurial university. *Research Policy*, 32(1), 109-121.
- Hollister, R.M. (2017). *Chapter 1: The project: Theoretical Framework Andglobal Institutional Experience in University Social Responsibility Andquality of Life, a Global Survey of Concepts and Experiences*. Singapore: Springer.
- Larrán Jorge, M., & Andrades Peña, F. J. (2017). Analysing the literature on university social responsibility: A review of selected higher education journals. *Higher Education Quarterly*, 71(4), ۳۰۲-۳۱۹.
- Mok, K. H. (2005). Fostering entrepreneurship: Changing role of government and higher education governance in Hong Kong. *Research Policy*, 34(4), 537-554.
- Rojas, H. L., Lara, V. L., & Meza, D. G. (2020). University Social Responsibility and Community Relations. *Asian Journal of Education and Social Studies*, 47-58.
- Sharma, D., & Sharma, R. (2019). A review literature on university social responsibility initiatives in the global context. *Journal of Emerging Technologies and Innovative Research*, 6(6), 27-3۰.
- Towne, L., & Shavelson, R. J. (2002). Scientific research in education. Washington, DC: *National Research Council*.